

کارل مارکس، فردریش انگلس، رزا لوکزامبورگ
ولادیمیر لنین، آنتونیو گرامشی، ارنستو چه گوارا،
اوگنی پرابراژنسکی

درباره مسائل ارضی

گردآوری و ترجمه:

محمد قیداری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

سرشناسیه: قیداری، محمد، ۱۳۶۲- گردآورنده، مترجم

عنوان و پدیدآورنده: درباره مسائل ارضی / (گردآورنده) و مترجم محمد قیداری.

موضوع: کشاورزی، تهران: سمندر، ۱۳۹۶

مشخصات نشری: ۱۸۴ ص

شابک: 978-600-97278-6-6

وضعیت فهرست‌رسانی: فیا

یادداشت: نویسنده: کارل مارکس، فردریش انگلس، رزا لوکزامبورگ، ولادیمیر لنین، آنتونیو

گرامشی....

موضوع: کاربری زمین - معماری

موضوع: Land use--Planning

موضوع: کاربری زمین‌های روستایی

موضوع: Land use, Rural

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶: ۴ ب ۹ / ۱۱۱ HD

رده‌بندی دیویی: ۳۳۳/۳۳۵

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۵۴۲۱۵



عنوان: دوازه مسائل ارضی

نویسندگان: آل مارکس، فردریش انگلس، رزا لوکزامبورگ، ولادیمیر لنین، آنتونیو گرامشی،

ارنستو چه گوارا، اوگنی پرابر انسکم

گردآوری و ترجمه: محمد قاسمی

تصویر جلد کتاب: «خوسه چین» اثر ژان فرانسوا میله ۱۸۵۷

طراح جلد: دانیال عدنی

صفحه‌آرا: دفتر نشر سمندر

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: چاپ اول نشر سمندر - ۱۳۹۸

قیمت: ۱۷۰۰۰ هزار تومان

پست الکترونیک: samandar.pub@gmail.com

اینستاگرام: samandarpub

تلگرام: https://t.me/samandarpub

آدرس: تهران، خیابان آزادی، روبروی دانشکده دامپزشکی، پانزدهم تیر، پلاک ۱۶۳

تلفن: ۶۶۵۸۱۷۲۲

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات سمندر محفوظ است.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه مترجم
۱۸.....	کارل مارکس: ملی سازی زمین
۲۳.....	فردریش انگلس: مآله دهقانی در فرانسه و آلمان
۴۹.....	رزا لوکزامبورگ: ستر علیه اقتصاد دهقانی
۷۵.....	ولادیمیر لنین: سرمایه دار و کشاورزی در آمریکا
۱۰۹.....	آنتونیو گرامشی: برخی جنبه های مسئله جنوب
۱۳۹.....	ارنستو چه گوارا: اصلاحات ارضی به مثابه سرنیزه مبارزان انقلاب کوبا ..
۱۵۷.....	پرابرازنسکی و نظریه دوران گذار

مقاله مترجم

مقاله این مجموعه، در ظاهر متعلق به دوران گذشته‌اند: آن زمان که هنوز جامعه‌ی سرمایه‌داری، بقایای فئودالیسم درآمیخته و وحدتی تضادمند میان این دو شیوه‌ی تولید برقرار بود. بی‌شک خواننده خواهد پرسید: آیا این متون در دنیای کنونی چیزی برای من دارد؟

پاسخ این سوال یک «آری» قاطعانه است. حتی می‌توان استدلال کرد مقالات مجموعه‌ی پیش رو، بیسی‌پیش از تمام سخن‌پراکنی‌های معاصر، وضعیت حال حاضر را روشن می‌سازد. کافی است به یاد بیاوریم دولت‌های سرمایه‌داری، به منظور افزایش کل ارزش این خراج‌بنده از نیروی کار، با چه ولع و اشتیاهی به گسترش «تولید خرد کالایی» روی آوردند و آن را با عناوین پرطمطراقی همچون «اقتصاد دانش‌بنیان»، «شاه‌ساز زودبازده»، «خوداشتغالی»، «توانمندسازی» و ... آراسته‌اند. و کافی است به یاد آوریم چگونه بخش بزرگی از چپ‌های مستحیل‌شده، از جنبش وال‌استریت در آمریکا گرفته تا برخی فرقه‌های وطنی، جهت بال و پر دادن به طبقه‌ی متوسط، همین تولید خرد کالایی را به مثابه‌ی بدیلی در برابر سرمایه‌داری انحصاری معرفی می‌کنند.

این حقیقت دارد که ما دیگر با چیزی به نام جرثومه‌های مناسبات ارباب-رعیتی روبرو نیستیم؛ اما مسأله این است که انکشاف امپریالیسم ما را بار دیگر با پرسش «تولید خرد» روبرو کرده است. امید دارم مجموعه مقالات حاضر که از

میان آثار انقلابیون کلاسیک برگزیده شده‌اند، کمک کنند خطوط اساسی مواجهه‌ی پرولتاریا با پرسش مزبور روشن گردد. اگر چنین ضرورتی در بین نبود، هیچگاه مرتکب چنین جسارتی نمی‌شدم که عنوان مترجم را به خود نسبت دهم و به سراغ این آثار کلاسیک بروم.

اجازه دهید بگویم آنان که می‌پندارند در قرن بیست و یکم دیگر نشانی از «مسأله‌ی ارضی و دهقانی» باقی نمانده است، سخت در اشتباه‌اند. امروزه در بازار دنیا تنها هنوز وجود دارند، بلکه در مواجهه با تغییرات آب‌وهوایی، سازه‌ی شرکت‌های چند ملیتی بر منابع غذایی و تولیدات زراعی و همچنین شیوه‌های نامناسب کشاورزی که حتی معیشت‌شان را تأمین نمی‌کند با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ از عدم دسترسی به بذر و آب بگیر تا بار سنگین دیون ناشی از مشکلات ناشی از نوسان شدید قیمت‌ها در بازار. وانگهی الگوی کشاورزی سنتی با بهره‌کشی سرمایه‌دارانه از روستاها، نه تنها حیات دهقانان، بلکه کل کره‌ی خاکی را با لایه‌ی مفاک نابودی سوق داده است. بیایید جهت آزمودن این ادعا، نگاهی به کشور دوست و همسایه، یعنی هند بیندازیم. موثرترین ابزارهای کمپانی‌های بزرگ برای اعمال سلطه بر دهقانان هند، یکی صدور محصولات زراعی ارزان است؛ و دیگری تجارت است از ایجاد انحصار در عوامل تولید. وضع دهقانان هندی نمونه‌ای نوین از هر دو تاکتیک فوق است.

در سال ۱۹۹۸ کشاورزان هندی طی اعتراضات بی‌بانی بیانی‌های صادر کردند که در آن آمده بود: «دست‌نামرزی شرکت‌های چند ملیتی در حال نابود کردن کشت دانه‌های روغنی کشورمان است. انحصارات بین‌المللی زراعت کشاورزان هندی را به خاک سیاه نشانده‌اند.» (۱) در آن زمان هند از نظر تولید روغن‌های خوراکی خودکفا بود. اما فقط ۱۵ سال بعد، روغن‌های خوراکی وارداتی بیش از ۹۰ درصد بازار هند را از آن خویش ساختند. گزارش‌های «بنیاد سیاست‌گذاری تجارت» غذا نشان می‌دهد طی فاصله‌ی ۵ ساله‌ی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲، واردات روغن خوراکی به هند بیش از ۳۸۰ درصد رشد کرد. در چنین شرایطی، بسیاری از دهقانانی که پیشتر به کشت دانه‌های روغنی مشغول بودند، تحت فشار رقابت

با کمپانی‌های بین‌المللی زراعی-صنعتی ورشکست گردیدند و به‌ناچار برای بازپرداخت دیون‌شان، اراضی تحت کشت خویش را به بانک‌های بزرگ واگذار کردند. بدین ترتیب، با تجمیع اراضی کشاورزی در دست سرمایه‌ی انحصاری، مزارع بزرگ‌مقیاس کشت برنج در هند رواج یافتند و بسیاری از دهقانان مستقل سابق، به کارگران روزمزد کشت‌کار تبدیل شدند؛ با این تفاوت که کل درآمد سالیانه‌شان، طی دو دهه بیش از ۵۰ درصد سقوط کرده بود. (۲)

در دهه‌ی ۱۹۹۰ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، در ازای اعطای بزرگ‌ترین وام تاریخ به دولت هند، آن را تحت فشار گذاشتند تا نظام دولتی تأمین زراعت را کنار بگذارد؛ به دهقانان خرده‌پا مشوق‌هایی جهت کشت بذرهای گران‌قیمت بدهد و کمپانی‌های بین‌المللی کشاورزی را جایگزین نهادهای عمومی کند. کنار رفتن نهادهای عمومی و دولتی، امکان هرگونه کنترل موثر و قانونی بر اراضی هم‌رکن خاک و آب از دست رفت. در نتیجه رفته‌رفته این منابع در دست کمپانی‌های بزرگ‌تر تمرکز یافت که قادر بودند با تکیه بر سرمایه‌های عظیم‌شان، منابع طبیعی را در مقیاس بزرگ به تصرف خویش درآورند و سایر تولیدکنندگان کوچک را از مواهب خداداده محروم سازند. اما از سوی دیگر، با ورود بذرهای گران‌قیمت اصلاح‌شده به درون نظام کشاورزی هند، ژن این بذرها از طرق طبیعی (برای مثال در بهانه‌ی مانی) در سرتاسر کشور پخش گردید. پس از یک دهه، تمام دهقانان هندی، بذرهایی استفاده می‌کردند که به‌نحوی از انحاء به ژن بذرهایی اصلاح‌شده آلوده بودند. در این هنگام کمپانی‌های بزرگ با درآویختن به حقوق مالکیت معنوی موفق شدند استقلال دهقانان محلی را به شکل قانونی زیر ضرب ببرند و انحصار سواستوار را مستقر سازند؛ بسیاری کسان مجبور شدند به خاطر استفاده‌ی ناخواسته از ژن‌های انحصاری، زعامت و قیمومیت کمپانی‌ها را بپذیرند؛ کسانی هم که زیر بار نرفتند، کمرشان زیر بار غرامت‌های قانونی شکست. (۳) نتیجه‌ی این قبیل اصلاحات در هند فاجعه‌بار بود. از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، یعنی فقط در عرض ۲۰ سال، قریب به ۴۰۰

هزار نفر از دهقانان هند دچار چنان فقری گردیدند که فقط می توانستند وسایل یک زندگی بخور-نمیر را تأمین نمایند. (۴)

اکنون همین کمپانی ها به واسطه ی معاهده ی «مشارکت جامع اقتصادی منطقه ای»^۱ میان ۱۶ کشور آسیای و حاشیه ی اقیانوس آرام این امکان را به دست آورده اند که بر زندگی ۴۲۰ میلیون خانوده ی دهقانی که بیش از ۸۰ درصد غذای منطقه را تولید می کنند، سیطره یابند. منتقدان می گویند این معاهده نتایج زیر را در مقیاس بزرگ به بار خواهد آورد: سلب مالکیت اراضی از دهقانان خرد، بسط و توسعه ی محصولات تراریخته و ایجاد انحصارات بذر، گسترش بیکاری در میان جمعیت روستایی و در نهایت اشباع بازارهای محلی با خرده فروشی شرکت های بزرگ. (۵)

این گرایش می تواند منتهی فقط محدود به هند نیست، بلکه گرایش جهانی است که در سایر نقاط کره ی زمین نیز به چشم می آید. گزارش «بنیاد تنوع زیستی آفریقا» نشان می دهد در ۷ کشور بورکینافاسو، غنا، مصر، نیجریه، کنیا، اوگاندا و مالاوی، برخی از حاشیای بین المللی غذایی همچون مونسانتو^۲ دوبونت^۳ و پیونیرهای برد^۴ از طریق روش کشت محصولات تراریخته، رقابت ناعادلانه ای را با دهقانان منفرد آفریقایی آغاز کرده اند که برندگان و بازندگان آن پیشاپیش مشخص هستند. در یک سمت دهقانان مازودی ایستاده اند که تنها به یک قطعه زمین متکی اند و با ابزارهای ابتدایی ترسودشان زیر بار وام های بانکی در حال له شدن اند؛ و در سمت دیگر کمپانی های بین المللی که با حمایت مالی نهادهایی همچون «بنیاد فناوری های کشاورزی آفریقا»^۵ «برنامه ی حمایت از زیست فناوری های کشاورزی»^۶ «برنامه ی نظام های ایمن ترستی»^۷ «بنیاد

1-RCEP

2-Monsanto

3-Dupont

4-Pioneer Hi-bred

5-AATF

6-ABSP

7-PBS

بیل و ملیندا گیت»^۸ و «آژانس توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده»^۹ در این جنگ نابرابر طبقاتی به جدیدترین ادوات تکنولوژیک مسلح می‌شوند: «مرکز گیاه‌شناسی دونالد دانفورث»^{۱۰} دانشگاه میشیگان و دانشگاه کانزاس با انواع و اقسام مساعدت‌های علمی، پیروزی کمپانی‌ها را در این رقابت نابرابر تضمین می‌کنند. کمپانی‌ها به مدد تکنولوژی‌های پیشرفته، محصولات زراعی تراریخته را با قیمت پایین‌تر روانه‌ی بازار می‌کنند و شرایط نامساعد تولید دهقان آفریقایی را به پالش می‌کشند. بسیار ساده‌انگارانه است اگر فرض کنیم تولیدکنندگان خرد روستایی خواهند توانست استقلال خویش را حفظ نمایند و کنترل زمین‌ها و وسایل را از دست ندهند. این همان بلایی بود که طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بر دهقانان برزیلی، بولیوایی و اروگوئه‌ای آمد: کمپانی‌های بزرگ از طریق سلب مالکیت از زمین‌های آزاد زراعی، به تمرکز اراضی دامن زدند و این به نوبت خود باعث شد میلیون‌ها نفر از دهقانان آمریکای جنوبی، زمین‌های کوچک‌شان را از دست دهند. (۶)

در این میان سرمایه‌دانی از بخش طبیعت نیز مدد می‌طلبد. شش سال پس از زمین‌لرزه‌ی ۷ ریشتری هائیتی، دهقانان این کشور با مصیبت بزرگ‌تری روبرو شدند: بورژوازی هائیتی و شرکت‌های بین‌المللی تحت حمایت دولت آمریکا، بانک جهانی و بانک توسعه‌ی آمریکا، برای بهره‌برداری‌های بزرگ و پروژه‌های غول‌آسا به زمین‌خواری‌های بزرگ روی آوردند. ریکوت ژان پیر، کارگر عضو «پلاتفرم مدافعان توسعه‌ی بدیل هائیتی» می‌دهد که چگونه عدم کنترل بر زمین، بزرگ‌ترین ویرانی را در تاریخ هائیتی بار آورده است، ویرانی‌یی صدها بار بدتر از آنچه که زلزله بر سرشان آورده برای مثال کل دهقانان جزایر لئا واچه^{۱۱} لا تورئوته^{۱۲} و لا گنویا^{۱۳} از زمین‌ها و باغ‌هایشان اخراج

8 - BMGF

۹ - USAID

10 - DDPSC

11 - Île-à-Vache

12 - La Tortue

13 - La Gonâve

شدند تا این جزایر جهت رفاه حال مولتی میلیاردرهای انحصاری و جنایت‌کاران اقتصادی به دهکده‌های توریستی تبدیل شوند. علاوه بر این نظارت بر واگذاری معادن از دست پارلمان درآمد تا سرمایه‌داران بین‌المللی بتوانند با فراغ بال روستاییان را از ملک‌شان اخراج کنند و زمین زیر پایشان را به یغما ببرند. از سوی دیگر تأسیس مناطق آزاد تجاری باعث شد بسیاری از دهقانان هائیتیایی ورشکست شوند، زمین‌شان را به کمپانی‌های بزرگ واگذار نمایند و برای روزی ۵ دلار کمتر به کارگران کشاورزی همان کمپانی‌ها تبدیل شوند. کمپانی دری فرانسه^{۱۴} متعلق به جناب خوتونل مویشه^{۱۵} که در تولید موز و صادرات آن به اروپا شهرت است دقیقاً بر چنین مبنایی رشد کرده. چهارمین مورد به مناطق آزاد صنعتی مربوط می‌شود؛ برای مثال برای احداث پارک صنعتی کاراکول^{۱۶} در سال ۲۰۰۰، در این پروژه ابتدا هزاران هکتار از اراضی مرغوب شمال شرق هائیتی را از جناب دهقانان درآوردند، تا در قدم بعد برخی سرمایه‌داران بین‌المللی، یسی کرمانی از قماش خانواده‌ی بیل و هیلاری کلینتون بتوانند نیروی کار دهقانان را به اجاره بیاورند و در کارخانه‌های امپریالیستی جدیدالاحداث خویش استثمار کنند.^{۱۷}

اگر دهقان خرده‌پای قرن نوزدهم فقط با سه خصم به نام‌های دولت، سرمایه و زمین‌دار روبرو بود، دهقان قرن بیستم، کم‌نهار است با دشمنی به مراتب هولناک‌تر از آن سه دیگر رودر شود: تغییرات اقلیمی و نابودی محیط زیست. بیانیه‌ی پنجمین نشست بین‌دولتی تغییرات آب و هوا در سال (۲۰۱۴) اعلام می‌کند: «نتایج منفی تغییرات آب‌وهوایی بسیار بیش از نتایج مثبت آن است. از سال ۲۰۰۷ تاکنون، در پی هر تغییر شدید آب‌وهوا در نقاط مختلف، تولید کشاورزی، قیمت غلات و سایر مواد غذایی افزایش یافته است. این نوع حاکی از تأثیر مستقیم آب‌وهوا بر بازار محصولات کشاورزی است.» و در ادامه با لحن خوش‌بینانه می‌افزاید: «البته در میان‌مدت یعنی تا سال ۲۰۵۰ تأثیرات گرمایش

14-Agritrans

15-Jovenel Moïse

16-Caracol

زمین چندان فاجعه‌بار نیست. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تا میانه‌ی قرن بیست‌وبکم، میزان بازده اراضی زراعی در مقایسه با سطح تولید کشاورزی در سال‌های آغازین قرن بیستم، فقط ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. با این حال بیم آن می‌رود که از سال ۲۰۵۰ به بعد، این وضعیت ابعاد فاجعه‌باری بیابد. دولت‌های سرمایه‌داری دروغ می‌گویند. به یاد بیاورید که در سال ۱۹۰۰ جمعیت جهان در حدود ۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر بود؛ طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ این رقم به حدود ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. حال یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که اگر تولیدات کشاورزی در سال ۲۰۵۰ فقط ۷۵ درصد از ۱۹۰۰ باشد، چه فاجعه‌ای در انتظار نسل آینده نشسته است. (۸)

شاید ده‌های پیدا شوند و بگویند این قبیل پیش‌بینی‌ها درباره‌ی آینده‌ی شیوه تولید، راه‌دهی بسیار بدبینانه است. در پاسخ به چنین کسانی، جز خواندن قطعه شعر زیر از ایما یوشیچ جواب دیگری ندارم:

آن جماعت

چون زنان جوکیان با خمشان بردون
با ناخودهایی که می‌چینند
زندگانی‌های مردم را
خوب یا ناخوب می‌بینند.
وز گذار سوزنی آویخته با پنبه‌ی بر آب
در بطون دردناک زشت این غرقاب
حدس‌هایی‌شان بُود دیگر.
گرچه نگشایند با کس راز
با کسی آنان نمی‌گردند هم‌آواز
لیک لذت می‌برند آر بر زبان آرند
که به چه هنگام می‌ماند
یک چراغی تیره و دلسرد.

مقصر اصلی چنین فاجعه‌ای کمپانی‌های بزرگ هستند. برای مثال پروفیسور ایان بوید در مقاله‌ای افشاگرانه در «ژورنال علوم» بریتانیا با عنوان «زنگ خطر آفت‌کش‌ها» نشان می‌دهد استفاده‌ی کمپانی‌های بزرگ کشاورزی از برخی سموم شیمیایی که در اصل کاربرد نظامی دارند (برای مثال ترکیبات گاز اعصاب) جان روستاییان را به بازی گرفته است. فقط در سال ۲۰۱۴ در خاک بریتانیا ۱۷ میلیون و ۷۵۰ هزار کیلوگرم آفت‌کش شیمیایی با فورمول پایه‌ی نظامی، بیش از ۸۰ میلیون ۱۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی را آلوده کرد. (۹) ساکنان مناطق روستایی بریتانیا اخیراً با امضای بیانیه‌ای خطاب به ترزا می به گسترش بیماری‌های مزمن در اثر این کار شوم کمپانی‌های بزرگ اعتراض کرده‌اند. گفتن ندارد در زمان دموکریک بریتانیای کبیر میان دو نوع کاغذ کدام یک رجحان خواهد داشت، یک کاغذ سکناس‌های سرمایه‌ی انحصاری و دیگری کاغذ امضای مردم عادی.

تحقیقات پژوهشگران در علم علوم غذایی بریتانیا نشان می‌دهد آنتی‌اکسیدان‌های موجود در محصولات زراعی -صنعتی بین ۱۸ الی ۶۹ درصد کمتر از محصولات زراعی معمولی است. این آنتی‌اکسیدان‌ها (برای مثال پولی‌فنولیک‌ها) سهم به‌سزایی در کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن و انواع سرطان ایفا می‌کنند. و مسأله به اینجا خلاصه نمی‌شود این محصولات بسیاری از خاصیت‌های طبیعی خود را از دست داده‌اند. برای مثال طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ میزان ویتامین آ در ۴ ماده‌ی غذایی (سیب، موز، گوجه‌فرنگی) ۶۰ درصد کاهش یافته است. محصولاتی همچون پیاز و سیب‌زمینی ۱۰ درصد ویتامین آ را از دست داده‌اند. علاوه بر این میزان فلزات سنگین سرب و کادمیوم، سرب و جیوه در محصولات زراعی -صنعتی به شدت بالاتر از استانداردهای سازمان بهداشت جهانی است. به جز این، میزان ترکیبات مختلف نیتروژن در این محصولات ۵۰ درصد بیشتر از گیاهان عادی است؛ میزان تراکم نیترات در این محصولات ۳۰ درصد و میزان تراکم نیتريت ۸۷ درصد بیشتر از سایر سبزیجات و سبزیجات غیر صنعتی است. این ترکیبات نشان می‌دهد بارمانده‌ی آفت‌کش‌ها در

محصولات نهایی و قابل عرضه‌ی مجتمع‌های پیشرفته‌ی کشاورزی، چهار برابر بیشتر از محصولات باغ‌ها و مزارع سنتی است. مصرف توده‌ای این قبیل مواد غذایی مسموم و فاسد، سهم بزرگی در افزایش بیماری‌های مزمن (اوتیسم، آسم، عقب‌ماندگی ذهنی) و شیوع انواع سرطان و تولّد نوزادان ناقص‌الخلقه داشته است. با این حساب باید گفت عملکرد برخی موسسات امپریالیستی همچون بنیاد راکفلر (مبدع و مروج شیوه‌های نوین کشاورزی در ۶۰ سال اخیر) دست‌کمی از یک نسل‌کشی تمام عیار ندارد. این کمپانی‌ها به منظور تسخیر بازارها با محصولات ارزان و نابودی کشاورزان خرده‌پا، عملاً آت‌و‌آشغال به خوردمان می‌دهند. (۱۰)

از آن‌جا که بسیاری از هم‌وطنان طبقه‌متوسطی ما، ایران را تافته‌ی جدا بافته می‌دانند، در مواجهه با چنین واقعیّات هولناکی لب‌خند می‌زنند و یادآور می‌شوند این جریانات «بی‌بهره» ندارد. اما در حقیقت، این‌ها همه داستان خود ماست که از زبان دیگران رویت می‌شود. کافی است به یاد آورید عیسی کلانتری، معاون رئیس‌جمهور، در پاسخ به انتقادات علیه واردات محصولات غذایی تراریخته چه گفت: «حرف مفت زدن که سبب افت درآمد در حال حاضر ۷۰ درصد محصولات وارداتی کشور تراریخته است و ما آن را مصرف می‌کنیم، آیا مشکلی داشته‌ایم؟» (۱۱) این نقل قول به تنهایی وضعیّت شکنان ایرانی را تشریح می‌کند. از خواننده انتظار داریم که همواره به یاد داشته باشیم که بحالات این مجموعه را در کدام زمینه‌های تاریخی مطالعه می‌کند.

سی کردهام در حد بضاعت خویش ترجمه‌ی قابل قبولی از ۸۰۰ نسخه‌ی انگلیسی متون برگزیده ارائه دهم. با این همه مطمئناً کمرم هنوز از مشکلات فراوانی دارد. امیدوارم با توجه به مشکلات ریز و درشت و درگیری‌های فراوانم، سایر دوستان با انتقادات و تذکرات‌شان، به اصلاح اثر موجود کمک کنند. مقاله‌ی پایانی درباره‌ی پرابراژنسکی، ترجمه‌ی دوست عزیزم آریا د. است که با بزرگواری اجازه داد نسخه‌ی ویرایش‌شده‌ی ترجمه‌اش در این مجموعه منتشر گردد. رفیقانه دست او و تمام دوستانی را می‌فشارم که در گردآوری و گزینش این مقالات

کمکم کردند. بیش از همه باید از کمک‌های بی‌چشم‌داشت مهتاب حسینی تشکر کنم که کار ویرایش و تصحیح این مجموعه را بر عهده گرفت. البته نیازی به گفتن نیست که مسئولیت اشتباهات احتمالی این مجموعه، فقط بر گردن خودم است.

محمد قیداری

آذر ۹۶

www.ketab.ir